



# امارت اسلامی افغانستان

## قانون طرز تحصیل حقوق

### فصل اول

#### احکام عمومی

##### ماده اول:

۱- این قانون بمنظور تنظیم امور مربوط به طرز تحصیل حقوق مدنی و تجارتي اشخاص حقیقی و حکمی وضع گردیده است.

۲- حقوق مدنی و تجارتي اشخاص حقیقی و حکمی مطابق فقه حنفی شریعت اسلامی و احکام این قانون تحصیل میگردد.

##### ماده دوم:

تطبيق قانون طرز تحصیل حقوق در مرکز و ولایات از طریق شعبات مربوط وزارت عدلیه صورت میگیرد.

##### ماده سوم:

تمام ادارات و موسسات خصوصی مکلفیت دارد در تطبيق احکام این قانون با وزارت عدلیه همکاری نماید.

##### ماده چهارم:

تمام ادارات به استثناء محاکم مکلف اند عرایض وارده حقوقی را مطابق احکام این قانون، به اداره حقوق مربوطه بسپارد.

##### ماده پنجم:

اداره خاندنوی مکلف است در تحصیل حقوق و احضار معروض علیه، با اداره حقوق همکاری جدی نماید.

##### ماده ششم:

۱- در مطالبه حقوق عارض مکلف است که به مسکن معروض علیه مراجعه نماید.

۲- در تحصیل نفقه و کسوت ناشی از عقد ازدواج، عارض مکلف نیست، که به مسکن معروض علیه مراجعه نماید درینصورت اداره حقوق محل سکونت زوجه مکلف است به اداره حقوق محل زوج رسماً اطلاع دهد.

۳- داین و مدیون مسافر و کوچی می‌تواند به نزدیکترین اداره حقوق مراجعه کند درینصورت داین و مدیون مکلفند به اداره حقوق ضمانت کتبی بدهد.

#### ماده هفتم:

محل سکونت مطابق احکام این قانون عبارت است از:

- ۱- محلیکه شخص بیشتر از یکسال در آنجا زنده گی داشته باشد.
- ۲- محلیکه شخص در آنجا وظیفه رسمی غیر موقت داشته باشد.
- ۳- محلیکه شخص در آنجا فعالیت تجارتي و پیشه اختیار مینماید.
- ۴- سایر محلاتیکه در قوانین حکومت بحیث محل سکونت شخصی پیشبینی شده است.

#### ماده هشتم:

مدیونیت اشخاص حقیقی یا محکمی یا ممثلین قانونی ایشان موجب سلب آزادی آنها نمی گردد.

#### ماده نهم:

- ۱- مطالبه تحصیل حقوق توسط عریضه رسمی صورت میگیرد.
- ۲- توضیح شهرت مکمل عارض و معروض علیه و تعیین وجه مطالبه امضا عارض و یا نشان انگشت حتمی است.
- ۳- اصل سند یا نقل همراه با عریضه به اداره حقوق نشان داده میشود در غیر آن اداره حقوق به تحصیل حق مکلف شده نمیتواند.

#### ماده دهم:

اسناد قابل تحصیل حقوق عبارت است از:

- ۱- اسنادیکه از محاکم ذیصلاح طور قطعی و نهایی ترتیب و صادر گردیده باشد و دارای ثبت محفوظ قضا و عاری از جعل و تزویر باشد.
- ۲- اسنادیکه در سفارتخانه ها و قنصلگری های افغانی ترتیب گردیده به تصدیق وزارت امور خارجه امارت نیز رسیده و با قوانین نافذه مخالفت نداشته باشد.
- ۳- فیصله های که توسط محکمه کشور خارجی بین تبعه خارجی یا تبعه افغانی به شکل نهایی براساس قواعد حقوق بین الدول خصوصی صادر و از طرف وزارت امور خارجه تصدیق شده باشد.

۴- تمام اسنادیکه به آن اعتبار شرعی و قانونی داده شده باشد.

#### ماده یازدهم:

هرگاه حقوق اشخاص حقیقی یا حکمی در اداره حقوق براساس حکم مندرج ماده دهم این قانون تحت تحصیل باشد به محکمه احاله شده نمی تواند هر گاه معروض علیه اعتراض داشته باشد میتواند بعداً در مورد حق مندرج سند از محکمه تقاضا تحصیل نماید.

#### ماده دوازدهم:

- ۱- تمام دائنین در برابر مایملک مدیون حق مساوی دارند، جز دائینکه مطابق احکام قانون حق تقدیم داشته باشد.
- ۲- هرگاه دائنین از لحاظ حق تقدیم در موقف مساوی قرار داشته باشد تحصیل حقوق همه آنها همزمان صورت میگیرد اگر داریی مدیون حقوق ثابت مطالبه کننده گان را کفایت نه کند با رعایت احکام این قانون به تناسب دین در بین دائنین تقسیم میگردد.
- ۳- اجراءات مندرج این ماده به اساس پیشنهاد اداره حقوق از طرف محاکم ذیصلاح صورت میگیرد.

### فصل دوم

#### وظایف و صلاحیتها:

#### ماده سیزدهم:

اداره حقوق در قسمت عرایض و تحصیل حق داری وظایف ذیل میباشد:

- ۱- ثبت عرایض وارده در کتاب مربوط و دادن رسید به عارض.
- ۲- جلب معروض علیه به اساس مطالبه عارض از طریق اداره خاندوی.
- ۳- در مرحله اول کارکنان موسسات خصوصی و رسمی از طریق اداره مربوط جلب میگردد در صورت عدم همکاری به سلسله خاندوی تحت جلب قرار داده میشود.
- ۴- منسوبین قوای مسلح از طریق اداره مربوط شان تحت جلب قرار میگیرند و اداره مربوط مکلف به اعزام معروض علیه به اداره حقوق میباشد.

#### ماده چهاردهم:

- ۱- اداره حقوق مکلف است که بعد از احضار معروض علیه مطالبه عارض را کتیباً به آن تفهیم نماید.

۲- اداره حقوق مکلف است حق عارض را که مطابق حکم ماده دهم ثابت شده در مدت ده یوم تحصیل نماید.

#### **ماده پانزدهم:**

اداره حقوق بعد از موافقه کتبی داین و مدیون میتواند تحصیل حقوق ثابت داین را مهلت و یا قسط نماید.

#### **ماده شانزدهم:**

۱- اداره حقوق مکلف است که از معروض علیه ضمانت احضار اخذ نماید.

۲- شخصیکه به احضار معروض علیه به اداره حقوق ضمانت داده باشد در صورت مطالب به احضار آن مکلف میباشد.

#### **ماده هفدهم:**

اداره حقوق مکلف است که در میعاد معینه مندرج فقره (۲) ماده ۱۴ این قانون به تحصیل دین داین اقدام نماید، حالات ذیل ازین حکم مستثنی است:

۱- در صورتیکه داین کتباً بمدت بیشتر قسط یا مهلت موافقه نموده باشد.

۲- در صورتیکه دین بالاثرتجویز محکمه ذیصلاح، مطابق به احکام قانون قسط شود.

#### **ماده هجدهم:**

اداره حقوق به موافقه رئیس یا امر اداره میتواند با نظر داشت استطاعت مدیون پیشنهاد و جلب داین را ترتیب و غرض تعیین اقساط به محکمه ذیصلاح ارایه نماید.

#### **ماده نوزدهم:**

موضوعات حقوقی که ایجاب تحقیق را نمی نماید هرگاه عرض عارض به استناد اسناد قابل تحصیل مستند نباشد، یا معروض علیه از مطالبه عارض انکار نماید ایشان یکجا با عرایض مطابق احکام قانون اصول محاکمات مدنی به محکمه ذیصلاح فرستاده میشود.

## فصل سوم

### مکلفیت مدیون و ضامن در برابر داین

#### ماده بیست ام:

مدیون مکلف است تمام دین ثابت ذمت خود را در حال مطالبه به داین بپردازد مگر اینکه شرایط تادیه طوری دیگری موافقه شده باشد.

#### ماده بیست و یکم:

داین میتواند در هر وقت دین خود را از مدیون مطالبه نماید دین موجب ناشی از عقد بیع ازین حکم مستثنی است.

#### ماده بیست و دوم:

ضامن پول در حالات آتی مکلف به دادن دین ثابت داین میباشد.

۱- در صورت افلاس یا ورشکست قانونی مدیون.

۲- در صورت نبودن مدیون مشروط بر اینکه جایداد نداشته باشد.

#### ماده بیست و سوم:

مدیون جهت ادای طلب داین به فروش مایملک اش مکلف شده میتواند.

#### ماده بیست و چهارم:

۱- هر گاه مدیون دین ثابت ذمت خود را در اثر مطالبه داین و ابلاغ موظف حقوق تادیه نکند ایفای دین از طریق تنفیذ جبری صورت میگیرد.

۲- تنفیذ جبری روی اموالی صورت میگیرد که شامل احتیاج اولیه مدیون نباشد.

۳- تنفیذ جبری روی اموال به اساس پیشنهاد اداره حقوق و تجویز محکمه مربوط صورت میگیرد.

۴- اموال مندرج فقره (۳) این ماده توسط هیئت موظف از نماینده گان اداره حقوق، اداره محلی شاروالی و خاندوی در حضور مدیون و یا قائم مقام آن بصورت داوطلبی و مزایده به اندازه دین به بفروش رسیده به داین داده میشود در صورت ضرورت داین مورد از نظر اهل خبره استفاده شده میتواند.

## ماده بیست و پنجم:

۱- احتیاج اولیه مدیون عبارت از یک مسکن میباشد که در صورت فقدان آن شخص نتواند بصورت عادی زنده گی کند.

۲- فهرست مندرج فقره (۱) این ماده توسط هیئت موظف نماینده گان اداره حقوق، شاروالی و خاردوی تثبیت، در مرکز به تائید وزیر عدلیه و در ولایات به تائید والی رسانیده میشود.

## ماده بیست و ششم:

۱- هرگاه فروش اموال منقول مدیون ادای دین را کفایت نکند اداره حقوق میتواند به اثر مطالبه داین لست اموال غیر منقول وی را غرض حجز به محکمه ذیصلاح راجع سازد.

۲- هرگاه مدیون از فروش اموال غیر منقول مندرج فقره (۱) - این ماده امتناع ورزد موضوع غرض تجویز فروش اجباری توسط اداره حقوق به محکمه ذیصلاح محول میگردد.

درینصورت محکمه از جمله خاړنوالان وکیل مسخر را تعیین، تا عوض مدیون متمد، بفروش جایداد غیرمنقول وی در وثیقه عندالمحکمه اقرار نماید، این اقرار در حکم اقرار مدیون میباشد.

۳- فروش جایداد غیر منقول مدیون با نظر داشت حکم مندرج ماده (۲۵) این قانون صورت میگردد.

۴- هرگاه اموال منقول مدیون که برای انتقال ملکیت آن هم وثیقه رسمی و اقرار عندالمحکمه لازم پنداشته شود، این اجراءات مطابق حکم فقره (۲) این ماده صورت میگردد.

## ماده بیست و هفتم:

۱- تعیین قیمت مسکن (سر پناه) در مراکز شهرها مطابق حکم فقره (۵) ماده ۶۵ قانون شاروالی صورت میگردد.

۲- تعیین قیمت مسکن در سایر محلات، با استفاده از اهل خبره توسط اداره محلی تعیین میگردد.

۳- هرگاه قیمت مسکن تعیین شده مندرج فقره (۱-۲) این ماده از اندازه تعیین دین بیشتر باشد، فروش آن به اساس تجویز محکمه در بدل طلب داین در صورتی مجاز است که مبلغ اضافه از دین داین، یک سر پناه عادی را برای مدیون تامین کرده بتواند.

## ماده بیست و هشتم:

هرگاه تنفیذ ذریعه مدیون اخلاص گردد، متمد شمرده شده و مطابق احکام قانون با وی معامله میشود.

## ماده بیست و نهم:

افلاس مدیون به اساس درخواست اشخاص ذیعلاقه و حکم محکمه با صلاحیت طبق احکام قانون تثبیت میگردد.

## فصل چهارم

### تخلیه و تسلیمی

#### ماده سی ام:

تخلیه ملکیت مالک از تصرف شخص دیگر، به استناد سند قانونی دست داشته مالک به اساس تقاضای وی که سند مبطل آن موجود نباشد بعد از تجویز محکمه ذریعه هئیات مندرج فقره (۲) ماده (۲۵) این قانون صورت میگیرد.

#### ماده سی و یکم:

محلات تجارتي، در صورتیکه مورد ضرورت شخصی مالک باشد و مستاجر به تخلیه آن نه پردازد، تخلیه آن به اساس تجویز محکمه ذیصلاح صورت میگیرد.

#### ماده سی و دوم:

- ۱- مستاجر نمی تواند ملکیت مؤجر را بعد از ختم قرار داد بدون رضایت مالک در تصرف خویش نگهدارد.
- ۲- وزیر عدلیه و در ولایات والیان میتوانند، در مورد سرپناه مستاجر الی سه ماه مهلت بدهد، این مهلت بدون موافقه کتبی مالک تمدید شده نمی تواند.

#### ماده سی و سوم:

عاقدیکه مایملک غیر را در اثر یک عقد متصرف و برای مدتی حداقل شش ماه غایب گردد، در نتیجه غیابت وی کرایه و غیره عایدات معطل گردد، اداره حقوق میتواند، طبق تجویز محکمه ذیصلاح، در مورد تخلیه و تسلیمی مایملک اقدام نماید.

#### ماده سی و چهارم:

تجویز مبنی بر تخلیه و تسلیمی مندرج ماده (۳۳) این قانون از طریق رادیو و یا روز نامه کثیرالانتشار حکومتی نشر میگردد، در عدم مراجعت شخص غایب بعد از انقضای میعاد سه ماه مطابق احکام این قانون اجراء میشود.



## ماده سی و پنجم:

۱- هرگاه شخص غایب قایم مقام نداشته باشد، اموالیکه از ملکیت تخلیه شده بدست آمده توسط هیئت موظف مندرج فقره (۲) ماده ۲۵ این قانون در سه نقل تشریح و ترتیب شده، یک یک نقل آن به محکمه ذیصلاح، شاروالی و اداره حقوق حفاظت میشود.

اموال بدست آمده تا احضار غایب یا قایم مقام آن طبق تجویز محکمه به مالک اصلی ملکیت تخلیه شده یا در محل مصئون یکه محکمه تشخیص نماید رسماً به آن سپرده میشود.

۲- در صورتیکه اموال مندرج فقره (۱) این ماده مستلزم تشریح مزید فنی باشد از نظر اهل فن استفاده شده میتواند.

اگر این نوع اجراءات ایجاب مصارف را نماید مصرف بدوش مالک میباشد.

## ماده سی و ششم:

۱- هرگاه تشخیص گردد که اموال بدست آمده به مرور زمان خاصیت اصلی و مقاومت خود را از دست میدهد و سریع الفساد میباشد اداره حقوق در باره فروش آن به تجویز محکمه ذیصلاح اجراءات مینماید.

۲- پول فروش این مال الی حاضر شدن به مالک مندرج فقره (۱) این ماده و یا قایم مقام قانونی آن بحساب امانت در بانک گذاشته میشود.

## فصل پنجم

### نیابت در تحصیل حقوق

## ماده سی هفتم:

نیابت در تحصیل حقوق تحت شرایط ذیل صورت میگیرد.

۱- در صورتیکه داین اسناد قابل تحصیل دین را در دست داشته باشد.

۲- در صورتیکه داین نسبت معاذیر موجه، به محل سکونت مدیون که در ولایات دیگر سکونت داشته مراجعه نموده نتواند.

## ماده سی و هشتم:

در صورت تحقق شرایط مندرج ماده (۳۷) این قانون، اداره حقوق در مورد محل سکونت داین مکلف به اجراءات ذیل میباشد:

۱- نقل یا سواد اسناد داین را بعد از مهر و نشانی شد، طور رسمی به اداره حقوق محل سکونت مدیون ارسال نماید.

۲- اداره حقوق محل سکونت مدیون مکلف است، نیابتاً، در مورد تحصیل حقوق داین اقدام نماید.

#### ماده سی و نهم:

(۱) هرگاه مدیون سند میطل ادعا داین را نداشته باشد اداره حقوق محل سکونت مدیون مکلف است، دین مندرج سند داین را تحصیل و از طریق بانگ به اداره حقوق محل سکونت داین ارسال نماید.

۲- اداره حقوق محل سکونت داین مکلف است دین تحصیل شده را در بدل رسید کتبی به داین بسپارد، و رسید کتبی را طور رسمی به مدیون ارسال نماید.

۳- درین نوع اجراءات مصارف مربوط به ارسال پول دین، بدوش داین میباشد.

۴- هرگاه مدیون در برابر مطالبه داین، به اداره حقوق، دلیل قانونی نیابت کننده ارایه نماید درینصورت داین مکلف است حین مطالبه حکم مندرج ماده (۶) این قانون را رعایت نماید.

### فصل ششم

### احکام نهایی

#### ماده چهل ام:

هرگاه عارض در خلال یکماه اجراءات عریضه اش را در اداره حقوق تعقیب ننماید، عریضه مذکور در مرکز به امر ریاست حقوق و در ولایات به پیشنهاد اداره حقوق و تصمیم والی حفظ میگردد.

#### ماده چهل و یکم:

مدیون متمرّد از احکام این قانون مجرم بوده، توسط خرنوالی تحت تعقیب قرار میگردد.

#### ماده چهل و دوم:

هرگاه ضامن بدون معاذیر قانونی از احضار معروض علیه به اداره حقوق خود داری ورزد، مانند مدیون متمرّد با وی معامله میشود.

#### ماده چهل و سوم:

اداره حقوق دارای مهر مخصوص میباشد.

#### ماده چهل و چهارم:

ریاست حقوق وزارت عدلیه در مرکز و ولایات برای ادارات حقوق دفاتر متحدالشکل تجویز مینماید.

## ماده چهل و پنجم:

موظف حقوق در مرکز و ولایات هر سه ماه به اداره حقوق وزارت عدلیه از اجراءات خویش رسماً گزارش میدهد.

## ماده چهل و ششم:

این قانون بعد از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد و با انفاذ آن قانون طرز تحصیل حقوق منتشره جریده رسمی شماره (۶۴۶) مورخ ۱۵ سنبله سال ۱۳۶۶ - و تعدیلات آن ملغی شمرده میشود.

والسلام

خادم السلام

امیرالمؤمنین مجاهد ملا محمد عمر (آخذند)